

سفینه تاج‌الدین احمد وزیر

محسن ذاکر الحسینی

بیاض تاج‌الدین احمد وزیر (۲ جلد)، به کوشش علی زمانی علویجه، مجمع ذخایر اسلامی، قم ۱۳۸۱ش، ۴۲+۵۲۱+۵ و ۴۱۶+۱۱۶ صفحه.

تصحیح و طبع متون فارسی همراه با چاپ عکسی نسخه خطی هر متن شیوه پسندیده‌ای است، که از لحاظ دسترسی مستقیم اهل تحقیق به متن قابل اعتماد بسی اهمیت دارد؛ اما متأسفانه تا کنون در ایران مصححان و ناشران به این امر اقبال چندانی نشان نداده‌اند. مع الوصف، تصویر برخی از نسخه‌های خطی خاص و مهم، به صورت مستقل از متنی حروف‌نگاری شده و به‌ندرت همراه با آن، منتشر شده است. یکی از آنها جنگ خطی نفیسی است که به سال ۷۸۲ هجری در شیراز برای تاج‌الدین احمد وزیر - که مقارن سلطنت شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۶) وزارت فارس داشته - فراهم شده است و نویسندگان نسخه، جای‌جای، نوشته خود را به وی تقدیم کرده‌اند. این نسخه را فضل‌الله بن روزبهان بن فضل‌الله خنجی، معروف به خواجه مولانا - مؤلف سلوک الملوک و شارح قصیده بُرده بوسیری - که خود دانشمندی فاضل بوده، به سال ۹۱۱ هجری در هرات خریده و یادداشت ارزشمندی در آغاز آن به یادگار گذاشته است. پس از آن، از سرنوشت نسخه اطلاعی در دست نیست تا قرن اخیر که، با افتتاح کتابخانه عمومی شهرداری اصفهان در سال ۱۳۴۲ ق (۱۳۰۳ش)، به آنجا راه یافته و به تاریخ ۷ دی‌ماه ۱۳۰۵ش در دفتر کتابخانه به ثبت رسیده که سال‌ها در آنجا نگهداری می‌شده و، سرانجام، در شهریور

۱۳۵۰ به کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان منتقل گردیده است.

اصل این جنگ در قرن هشتم هجری کتابت و، پس از آن در طی چند قرن، مطالب دیگری هم بر آن افزوده شده است. در این جنگ، بیش از ۸۵ فقره مستقل، در رشته‌های گوناگون دین، حدیث، عرفان، فلسفه، کلام، ریاضیات، تاریخ، ادبیات (شعر، طنز، معما) و جز آن به زبان فارسی و عربی وجود دارد، که اطلاعات سودمندی از وضع علمی و فرهنگی حوزه فارس و رجال آن عهد به دست می‌دهد. این فقرات را حدود ۷۵ تن از چهره‌های سرشناس قرن هشتم، از آثار خود یا دیگران، انتخاب و به خط خویش کتابت کرده‌اند.

در این جنگ، علاوه بر سروده‌هایی از شاعران نامدار فارسی‌گوی مانند فردوسی، خیام، ابوسعید ابوالخیر، نظامی، مهستی گنجوی، سنایی، ظهیر فاریابی، کمال‌الدین اسماعیل، اثیرالدین اومانی، نجم‌الدین رازی، سعدی، امامی هروی، اوحدی، حافظ، نزاری فهستانی، و اشعار شاعران نامدار عربی‌گوی مانند متنبی، بحتری، ابوتمام، کثیر عزه، عمر بن ابی ربیع، شافعی، حلاج، حسان، کعب بن زهیر، دعبل خزاعی، ابوالعلاء معری، جاحظ، و بدیع طوسی، که شماری از آنها در دیوان‌های چاپی ایشان نیامده است، و اشعار حضرت امیر (علیه‌السلام)، سروده‌هایی فارسی از اتسز خوارزمشاه، جلال‌الدین شاه شجاع، ابوسعید بهادر، شاه کبودجامه، شرف‌الدین عمر شبانکاره، امیر صفادار، امیر عضد مطهر، ناصر خطیب، بدرالدین دامغانی، عمادالدین لنکرانی، ناصرالدین منشی، و سروده‌هایی تازی از قاضی نظام‌الدین اصفهانی، بکر بن بطاح، محیی‌الدین بن ریلاق موصلی، سعدالدین حموی، یحیی بن ساعد، جلال‌الدین فریدون عکاشه، عضدالدین نسایی، علی بن فضل‌الله حسینی، و جز آنان وجود دارد که شعر و بعضاً حتی نام آنها را به دشواری در جای دیگر می‌توان یافت. همچنین آثاری از دانشمندی چون سید شریف جرجانی، معین‌الدین جنید واعظ، قطب‌الدین محمد فالی، شرف‌الدین زاهد قیری، عمادالدین قزوینی، غیاث‌الدین لطف‌الله ابرقوهی، و غیاث‌الدین منصور در این جنگ آمده است.

از جمله مندرجات مهم و جالب توجه این مجموعه گران‌بها ذکر مواد ذیل شایسته است:

— رساله‌ای مشتمل بر کلام ملوک که بیشتر آن سخنانی است از پادشاهان ایران باستان

و، در آن، سخنانی از دستانِ سام و رستمِ دستان نیز آمده است.
— ابیاتی از شاهنامه فردوسی و نیز قطعه‌ای از او که در منابع دیگر نیامده است و، به لحاظ اهمّیت، در اینجا نقل می‌شود:

اگر به دانش اندر زمانه لقمان‌وار	سرای پرده حکمت بر آسمان زده‌ای
وگر ز کتبِ فلاطون و ارسطاطالیس	هر آنچه گفته و بشنیده پاک بسته‌ای
وگر به نوکِ عداوت دو دیده اعدا	به نضرتی (کذا) که بود ایزدی بیازده‌ای
وگر سپهبدِ سیصد هزار شهر شدی	وگر برهمین سیصد هزار بتکده‌ای
به پیش نیشِ اجل این همه ندارد سود	همی ببايد رفتن چنان که آمده‌ای

— پنج بیت (دو و نیم رباعی) که ماقبل آن افتاده یا جا به جا شده و نام‌گوبنده آنها ثبت نشده است؛ اما، از آنجا که پس از بیت اول و سوم عبارت «وله» آمده، می‌توان پی برد که نویسنده هر پنج بیت را به یک تن نسبت داده است. دو بیت آخر، یعنی رباعی:

وقتِ سحرست خیز ای مایه ناز	اندک اندک باده ده و چنگ نواز
کأنها که به‌جایند نیابند دراز	و آنها که شدند کس نمی‌آید باز

از رباعیات مشهور منسوب به خیّام است. از این رو، احتمال می‌رود که سه بیت پیش از آن نیز — اگرچه در انتساب به خیّام شهرتی ندارد — در این جُنگ به خیّام نسبت داده شده باشد که از این حیث غنیمت است.

— مجموعه‌ای به عربی که غیاث‌الدین منصور المهدی آن را در سال ۷۸۲ نوشته است. وی، پس از مقدمه‌ای مصنوع، گردآورده‌های خود را در چهار باب (باب اول، فی عدد الاثنین؛ باب دوم، فی عدد الثلاثة؛ باب سوم، فی عدد الاربعة؛ باب چهارم، فی عدد الخمسة) نقل و، در ذیل هر باب، درباره هر یک از اعداد مذکور، اخبار نبوی، احادیث صحابه و تابعین، عُمرِ ملوک و امراء، سخنان وزرا و بزرگان، سخنان حکیمان و ادیبان، آراء طبیبان، و سخنان برگزیده منظوم و منثور را، هر یک در فصلی، درج کرده است.

— غرائب الاخبار و نوادر الآثار، از جمال‌الدین حاجی.

— فتح‌نامه اصفهان، از جمال‌الدین حاجی.

— رساله ربیعیه، از جلال‌الدین فریدون عکاشه.

— ملامعی به فارسی و عربی و شیرازی.

— اشعاری فارسی که شرف‌الدین عمر شبانکاره نوشته و، در آن، متتخیی از مفردات

بسیار زیبا - گویا به منظوری خاص (مثلاً برای مشاعره) - به ترتیب الفبایی حرفِ اوّل بیت (از الف تا ی) گرد آمده است.

- دو غزل و دو قطعه از حافظ که به لحاظ کتابت آن دو در عصر حافظ اهمیت دارد.
- بخش عمده‌ای از اشعار ابن یمین فریومدی که در ضمن یکی از فقرات آمده است.

از این جنگ، غیر از یکی دو نسخه‌ای که برخی فضلالی معاصر از روی همین نسخه برای خود تهیه کرده‌اند نسخه دیگری شناسایی نشده و، تا کنون دو بار چاپ و منتشر شده است. بار اوّل به صورت عکسی (فاکسیمیل) در اصفهان، بنا به پیشنهاد کتاب‌شناس برجسته، ایرج افشار، در سال ۱۳۵۳ ش، به مناسبت برگزاری پنجمین کنگره تحقیقات ایرانی، زیر نظر خود ایشان و مرتضی تیموری، با دو یادداشت از قاسم معتمدی و ایرج افشار و فهرست متن بیاض از مرتضی تیموری، بدون فهرست اعلام و فهرس دیگر و بدون اصلاح مواضع اغتشاش نسخه، جزو انتشارات دانشگاه اصفهان، در ۱۶+۹۲۷ صفحه؛ بار دوم به سال ۱۳۸۱ ش، در دو جلد، به صورت حروف‌نگاری شده، به کوشش علی زمانی علویجه، در قم، جزو انتشارات مجمع ذخایر اسلامی، در ۴۲+۵۲۱+۵ و ۴۱۶+۱۱۶ صفحه.

این اثر، هر دو بار با نام بیاض تاج‌الدین احمد وزیر منتشر شده است، هر چند کاتبان نسخه جای جای آن را سفینه خوانده‌اند. مثلاً فخرالدین محمود بن ابی‌الخیر فالی چندین بار این مجموعه را سفینه خوانده، و از این که در آن چیزی نگاشته در مقام تواضع گفته است:

سفینه را به همه حال لنگری باید در این سفینه گرانی بنده لنگر بس

فضل‌الله بن روزبهان بن فضل‌الله خنجی، مالک نسخه، نیز چندین بار آن را سفینه خوانده، و، در وصف آن، چنین سروده است:

سفینه جوهر فی بحر علم تری درر الخطوط بها دفینه
فلورفعت الی خضر عیاناً لکف الکف عن کسر السفینه

بدین لحاظ برای تسمیه این جنگ بیاضی شکل، عنوان سفینه تاج‌الدین احمد وزیر - که در این گفتار اختیار شده - انسب است.

مندرجات سفینه، که ظاهراً جز چند ورق و برخی حواشی چیزی از آن ساقط

- نگر دیده، تا کنون چند بار فهرست شده؛ اما به نظر می‌رسد که هنوز مواردی مجهول و مشکوک باقی مانده است. نشان فهرست‌ها چنین است:
- ۱) نفیسی، سعید، مقدمه دیوان جنید شیرازی، تهران ۱۳۲۰؛
 - ۲) معلّم حبیب‌آبادی، محمدعلی، «جنگ کتابخانه شهرداری اصفهان»، مجله ادبی وحید، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۴۴؛
 - ۳) دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۴۸؛
 - ۴) تیموری، مرتضی، «جنگ تاج‌الدین احمد وزیر، یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی جهان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۷، شماره ۸، ۱۳۵۱؛
 - ۵) همو، مقدمه چاپ عکسی، ۱۳۵۳؛
 - ۶) حصاری، میرهدایت، «بیاض تاج‌الدین احمد وزیر»، کیهان فرهنگی، سال ۴، شماره ۴۰، ۱۳۶۶؛
 - ۷) تیموری، مرتضی، «بیاض تاج‌الدین احمد وزیر»، وقف، میراث جاویدان، سال ۵، شماره ۳-۴، ۱۳۷۶؛
 - ۸) زمانی علویجه، علی، مقدمه چاپ حروفی، ۱۳۸۱ ش.

* * *

هنگامی که از تصحیح و نشر چاپ حروفی سفینه تاج‌الدین وزیر مطلع شدم و دوره‌ای از آن به دستم رسید، با مسرتی بسیار، در دل، بر این خدمت فرهنگی دشوار و ارزنده مصحح بسی آفرین گفتم؛ هرچند با مطالعه و بررسی اجمالی متن و مقایسه آن با نسخه عکسی معلوم گردید که نتیجه کار از نقایص و خطاهایی خالی نیست.

این چاپ با مقدمه مصحح در معرفی جامع سفینه و نیز معرفی، سابقه، وجوه اهمیت و فهرست کامل نسخه خطی و نمونه تصویر صفحاتی از آن آغاز شده است و، پس از متن سفینه، فهرست آیات، روایات، نام‌ها، جای‌ها، کتاب‌ها، اشعار عربی، سروده‌های فارسی و مندرجات آمده که بسیار سودمند است.

به نوشته مصحح، وی، برای بازنویسی متن سفینه، نسخه را از روی چاپ عکسی چندین بار خوانده، موارد قابل تردید و نقایص چاپ عکسی را از روی اصل نسخه رفع

کرده، برای تصحیح بعضی قسمت‌ها از منابع دیگر، با اشاره به آنها، سود جسته، مواضع ناخوانا و نوشته‌ها و اشعار ناقص را، در صورت دسترسی، از روی مآخذ حدیث، دواوین و منابع دیگر - بی آن‌که این موارد را مشخص سازد - تکمیل کرده و جمعاً مدّت سه سال به این کار اشتغال داشته است. (مقدمه، ص ۸-۱۰)

از ویژگی‌های جالب این چاپ آن است که مانند کتاب‌های زیبای چاپ بیروت و برخی کشورهای عربی دیگر، وقتی دو جلد کتاب را در کنار یکدیگر قرار دهند، نام کامل کتاب بر روی عطف آن خوانده می‌شود، اما جلد اول در سمت چپ جلد دوم قرار می‌گیرد و انتخاب قلم نستعلیق به جای نسخ - که با این کار مناسبت بیشتری دارد - از ظرافت و زیبایی آن کاسته است.

متأسفانه موارد تصحیف، تحریف، بدخوانی و نادرستی‌های گونه‌گون در این چاپ، با همه مراقبتی که مصحح مبذول داشته، بیش از حدّ انتظار است. تنظیم و رفع اغتشاش صفحات نسخه نیز، هر چند مصحح به آن اهتمام داشته چندان دقیق نبوده است و هنوز اشکال دارد. البته اشتباهات بعضاً خطای چاپی است و انصاف باید داد که مصحح بعضی مواضع دشوار متن را خوب خوانده است. آنچه به امر تصحیح مربوط می‌شود خطاهایی است از این دست: نادرست خواندن متن، تصرّف نابجا در متن و بی‌توجهی به حفظ ضبط‌های اصلی نسخه، بی‌دقتی در ضبط اختلافات میان نسخه و متن چاپی و خرج پانویشت‌های غیر قابل اعتماد، اعراب‌گذاری نادرست نوشته‌ها و اشعار عربی، تغییر نابجای شکل و اعرابِ درست عبارات و اشعار عربی مضبوط در نسخه، اختلال در وزن و قوافی سروده‌های فارسی و عربی، بازنشاختن پاره‌های منظوم و مثنوی از یکدیگر و ضبط قطعات مثنوی به صورت نظم و نظم به صورت نثر، عدم تشخیص محلّ جدایی دو مصرع ابیات عربی، عدم تشخیص مواضع جدایی قطعات منظوم و ادغام بعضی قطعات نامربوط در یکدیگر و تفکیک نادرست بعضی قطعات، جدا نکردن عنوان‌ها از متن قبل یا متن بعد یا هر دو. در این گفتار فقط برخی از نمونه‌های برجسته این خطاها ذکر می‌شود:

جلد اول

— شاه کبود جله و عمادالدین النکرانی (مقدمه مصحح، ص ۱۲)

• ظاهراً خطای چاپی است به جای شاه کبود جامه و عمادالدین لَنکرانی.

- جُوهر و خِضِر (متن، ص ۴۶، س ۱ و ۲)
- تصرف است به جای جُوهر و خِضِر در نسخه عکسی.
- هی تجری فی موج کالجبال (ص ۴۶، س ۹)
- به جای هی تجری بهم فی موج کالجبال در نسخه عکسی.
- تصدیت لِتَمَلِّکَها (ص ۴۶، س ۱۱)
- به جای تصدیت لتمکنها در نسخه عکسی.
- حرسها الله ثغرها (ص ۴۶، س ۱۳)
- ظاهراً به جای حرسها الله تعالی در نسخه عکسی.
- متی رَأَيْتَ بُسْتَانًا تَحْمِلُ فِي رُذْنٍ أَوْ رَوْضَةً يَنْقَلِبُ فِي حُجْزٍ مِنْ لَكَ بِزَارٍ إِنْ شِئْتَ جَعَلْتَ... (ص ۵۲، س ۱۲)
- در نسخه عکسی چنین آمده است: مَتَى رَأَيْتَ بُسْتَانًا تَحْمِلُ فِي رُذْنٍ أَوْ رَوْضَةً يَنْقَلِبُ فِي حُجْزٍ مِنْ لَكَ بِزَارٍ إِنْ شِئْتَ جَعَلْتَ...
- لَيْسَ الْوَشْيُ (ص ۵۳، س ماقبل آخر)
- به جای لَيْسَ الْوَشْيُ در نسخه عکسی.
- وَ ضَمْرُونَ الْغَدَايِرَ لَا لِحُسْنٍ وَ لَكِنْ جَفْنٌ فِي الشَّعْرِ الضَّلَالَا (ص ۵۳، س آخر)
- این بیت در نسخه عکسی چنین آمده است:
 وَ ضَمْرُونَ الْغَدَايِرَ لَا لِحُسْنٍ وَ لَلْجَنِّ جَفْنٌ فِي الشَّعْرِ الضَّلَالَا
 ضبط صحیح مصراع دوم مطابق دیوان متنبی چنین است: «و لَكِنْ جَفْنٌ...».
- لِعَيْنَيْكَ مَا يَلْقَى الْفَوَادُ وَ مَا لَقَى وَ لِلْحُبِّ مَا لَمْ يَبْقَ مِنِّي وَ مَا بَقِيَ وَ مَا أَنَا مِمَّنْ يَدْخُلُ الْعِشْقُ قَلْبَهُ وَ لَكِنَّ مَنْ يُبْصِرُ جُفُونَكَ يَعِشِقُ (ص ۵۴، س ۲، ۳)
- این شعر که در اعراب و قوافی آن خلل است، در نسخه عکسی چنین آمده است:
 لِعَيْنَيْكَ مَا يَلْقَى الْفَوَادُ وَ مَا لَقَى وَ لِلْحُبِّ مَا لَمْ يَبْقَ مِنِّي وَ مَا بَقِيَ
 وَ مَا أَنَا مِمَّنْ يَدْخُلُ الْعِشْقُ قَلْبَهُ وَ لَكِنَّ مَنْ يُبْصِرُ جُفُونَكَ يَعِشِقُ
 ضبط صحیح بیت دوم مطابق دیوان متنبی چنین است:
 وَ مَا كُنْتُ مِمَّنْ يَدْخُلُ الْعِشْقُ قَلْبَهُ وَ لَكِنَّ مَنْ يُبْصِرُ جُفُونَكَ يَعِشِقُ
 – حَجَبَ التَّقَى بَابِ الْهَوَى فَآخُو الـ شُتْقَى عَفَّ الْخَلِيقَةَ زَائِدًا إِيْمَانًا (ص ۵۵، س ۹)
- تجزیه التَّقَى و بردن قسمتی از آن به مصراع دوم، مخلّ وزن است. در عکس نیز تقی

به مصراع اول تعلق دارد و به جای الخَلِيقَةَ، الخَلِيقَةَ آمده است.

— بادی که بود سرمه کت آید در چشم یا وسمه که او کمان ابروت کشد (ص ۵۵، س ۱۲)

• ضبط صحیح بیت «باری که بود سرمه...» است.

— به هر قران و به هر دور چون منی نبود به روزگار چو من کس روی کار آید (ص ۵۶، س ۶)

• مصراع دوم در نسخه عکسی به صورت «به روزگار چو من کس بروی کار آید» آمده، و

ضبط صحیح چنین است:

به هر قران و به هر دور چون منی نبود به روزگار چو من کی به روی کار آید

— لا تَحْقِرَنَّ الرَّأْيَ فَهَوَّ مُوَافِقٌ حُكْمَ الصُّوَابِ إِذَا أَتَى مِنْ نَاقِصٍ (ص ۵۷، س آخر)

• در نسخه عکسی موافق آمده است.

— ای جهان پرتو اسرار تو سبحان الله دل و جان مخزن اسرار تو سبحان الله (ص ۸۲، س ۱۵)

• قافیه بیت مکرر است. در نسخه عکسی، قافیه مصراع اول به جای اسرار، انوار آمده

است. در سطر آخر همان صفحه به جای «فهم سرگشته بر کار تو»، «فهم سرگشته پرگار تو»

صحیح است.

— شحنه عدل تو هر کس که دم از جوشن زد خوارش آویخته از دار تو سبحان الله (ص ۸۳، س ۱۱)

• قرائت صحیح بیت چنین است:

شحنه عدل تو هر کس که دم از خویش زده خوارش آویخته از دار تو سبحان الله

— اعتصامُ الْوَرَى مَعْرِفَتُكَ عَجَزَ الْوَاصِفُونَ عَنِ صِفَتِكَ (ص ۹۰، س ۲)

• به لحاظ وزن و قافیه بِمَعْرِفَتِكَ صحیح است. ضبط نسخه عکسی نیز به رغم خالی

بودن از شکل و نقطه مؤید این قرائت است.

— وَ نَحْنُ عَلَى الدُّنْيَا كَرَكِبِ سَفِينَةٍ نَظُنُّ جُلُوساً وَ الزَّمَانُ سَائِرِي (ص ۹۰، س ۶)

• قرائت صحیح چنین است:

وَ نَحْنُ عَلَى الدُّنْيَا لِرَكْبِ سَفِينَةٍ نَظُنُّ جُلُوساً وَ الزَّمَانُ بِنَا يَسْرِي

ضبط نسخه عکسی نیز به رغم خالی بودن از شکل و نقطه مؤید این قرائت است.

— يَا نَدِيمِي أَطْرَقَ الْفَجْرُ فَمَا فِي الْكَأْسِ جِنْسٌ

فَهْوَةٌ تُعْطِبُهَا قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ شَمْسٌ

وَ هُوَ كَالْمَرِيخِ لِكِنْ هِيَ سَعْدٌ وَ هُوَ نَحْسٌ (ص ۹۲، س ۶-۸)

• ضبط صحیح دو بیت نخست به لحاظ وزن چنین است:

یا ندیمی اَطْرَقَ الفَجْ - رُقَمَا فى الكَأْسِ جنسُ

قهوةٌ تعطيكها قب لَطُلُوعِ الشَّمْسِ شمسُ

و آغاز بیت سوم اگرچه با ضبط نسخه عکسی موافق است، به لحاظ مرجع ضمیر باید به صورتِ وَهَى كَالْمَرِيخِ باشد.

— آل الرسول وَجَدْنَا حُبُّكُمْ سبباً يُرِضِي الإلهَ عَنَّا وَ يُرِضِينَا (ص ۹۴، س ۱۱)

• به اقتضای وزن و به تأیید نسخه عکسی، ضبط صحیح مصرع دوم چنین است: «يُرِضِي الإلهَ بِهِ عَنَّا وَ يُرِضِينَا».

— هَاتِ احَادِيثَ عَقِيْقِي الحمى فَمِنْهُ المُشْتَأَقُ إِنْ تَذَكَّرَا (ص ۹۶، س ۱۶)

• به لحاظ استقامت وزن باید، در قرائت بیت و شکل و اعراب آن، تجدید نظر کلی کرد. در عکس چنین آمده است:

هَاتِ احَادِيثَ عَقِيْقِ الحمى فَمُنْتَه المَشْتَأَقُ ان نَذَكِرَا

— سماع و باده و روی نگار نگذارد که نفس من نفسی منصرف شود ز گناه ثلاثی که درو مجتمع شود سه سبب خلاف نیست ما لا ينصرف بود چون ماه (ص ۱۰۴، س ۵ و ۶)
• ضبط صحیح بیت دوم چنین است:

ثلاثی که درو مجتمع شود سه سبب خلاف نیست که لا ينصرف بود چون ماه
— صوات (ص ۱۱۴، س ۳)

• ظاهراً خطای چاپی است به جای صلوة در نسخه عکسی.

— سفینه را به همه حال لنگری باید در این سفینه گر آبی بنده لنگر بس (ص ۱۱۵، س ۹)

• ضبط صحیح بیت قبلاً ذکر شد (گرانی به جای گر آبی) که صحّت وزن و قافیه و تناسب گرانی و لنگر مؤید آن است.

— لَوْ كَانَ فى جَنَّةِ الفردوسِ لى وطنٌ ذَاتُ النِّعَمِ المقيمِ الخالدِ الباقي

لَمَا تَسَلَّيْتُ فيها بالنِّعَمِ وَ لا بِحُسْنِ وِلْدَانِهَا عن سُنْقَرِ السَّامِي (ص ۱۰۶، س ۹ و ۱۰)

• به اقتضای قافیه، ضبط «سنقر السّاقی» درست است که در عکس بدون نقطه آمده است.

— سرگین گلی کته آن سروان بشین بهر در شود صلت این مهتران ما (ص ۱۲۰، بیت آخر)

• مصحّح این بیت را، که بسیار بدخط و بی نقطه است، بنا به اظهار خودش، نتوانسته است بخواند. نگارنده، با توجه به وزن شعر و معنای ابیات قبل، آن را چنین خوانده است:

معلوم می‌شود که در این دور مرده ریگ از مردگان کم‌اند کنون زندگان
سرگین خاک‌گشته آن سروران پیش بهتر ز ریش وصلت این مهتران ما
در نسخه «را»ی سروران افتاده است.

- بنمود عجب ز خلق و خویت نز عادت طبع نام جویت (ص ۱۲۶، س ۵)
- به لحاظ معنی «نمود عجب...» ضبط صحیح است.
- از حرف تواضع نقطه بود وز گنج مکارمت سقط بود (ص ۱۲۶، س ۶)
- در عکس به جای سقط، سَقَطُ آمده که ظاهراً تلفظی است از سَقَطُ به معنای «سبد».
- با جمله عالمان فاضل چون جمع کنی زهی به جاهل (ص ۱۲۶، س ۱۰)
- ضبط صحیح بیت چنین است:
با جمله عالمان فاضل چون جمع کنی زهی جاهل
شاعر این بیت را در مقام تواضع گفته و ضبط بدون نقطه عکس نیز مؤید آن است.
— کز آب کرم وضو نماید بود زلش رفو نماید (ص ۱۲۶، س ۱۸)
- «بود زلش» قرائت صحیح است.
- كُلُّ الْأُمُورِ يَزُولُ عَنْكَ وَيَبْقَى إِلَّا الثَّنَاءُ فَإِنَّهُ لَكَ بَاقِي (ص ۱۳۹، س ۳)
- از وزن بیت می‌توان دریافت که محلّ جدایی دو مصراع چنین است:
كُلُّ الْأُمُورِ يَزُولُ عَنْكَ فِي يَنْقُضُ إِلَّا الثَّنَاءُ فَإِنَّهُ لَكَ بَاقِي
— بَنُو الْأَحْرَارِ مُخْتَلِفُوا الْعِيَارَ فَذُو عَارٍ وَ عُذْرٍ وَ اِفْتِخَارٍ
فَمَنْ هُوَ دُونَ وَالِدِهِ فَعَارٌ وَمَنْ هُوَ مِثْلُهُ فَعَلَى اعْتِدَارٍ
وَمَنْ أَدَبِي عَلَيْهِ يَكُونُ حَقًّا لَهُ مَا يَدَّعِيهِ مِنَ الْفِخَارِ (ص ۱۵۱، س ۱۵-۱۷)
- قوافی دو بیت نخستین به صورت العیار و اعتذار، و در بیت سوم به جای ادبی، مطابق نسخه عکسی، اربی صحیح است، یعنی «فزونی گرفت».
- مجال از نفسش کی بود چون نیست اجازت خبری از نسیم پرسیدن (ص ۱۶۳، س ۶)
- در وزن و معنی خلل عمده است. ضبط صحیح بیت چنین است:
مجال نامه به سویش کجا بود چون نیست اجازت خبری از نسیم پرسیدن
— تورا به ملک زمین تهنیت نیارم گفت که عقل را بود اینجا طنّانی
سپهر و مهر به خاک در تو می‌نازند بسیط خاک چه باشد که تو بدو مانی (ص ۱۶۳، س ۱۱ و ۱۲)
- مطابق قرائت مصحح، گوینده در مصراع چهارم مرگ ممدوح را خواسته است.

ضبط صحیح شعر چنین است:

تو را به ملکِ زمین تهنیت نیارم گفت که عقل را بود اینجا مجال طنّازی

سپهر و مهر به خاکِ درِ تو می‌نازند بسیطِ خاک چه باشد که تو بدو نازی

— هیچت غم هیچکس نداری خرم تو که هیچ غم نداری (ص ۱۶۴، س ۵)

● در عکس ظاهراً «هیچت غم هیچکس ندارد...» خوانده می‌شود.

— آنک نابینا [ی] مادرزاد اگر حاضر شود در جهان عالم آرایش نیست سرو سهی (ص ۱۶۴، س ۹)

● وزن خطا و در معنی خلل است. نگارنده بیت را این گونه خوانده است:

آنک نابینا [ی] مادرزاد اگر حاضر شود در جبین عالم آرایش ببیند سروری

— خواهد (ص ۱۶۶، س ۱)

● گویا خطای چاپی است. می‌خواهد صحیح است.

— وقتی ز ما یاد آمدی هر هفته امان را و اکنون ملال خاطرش بر ما نیست آن راه را (ص ۱۶۷، س ۳)

● در وزن، قافیه و معنی خلل عمده است. ضبط صحیح بیت چنین است:

وقتی ز ما یاد آمدی هر هفته ای آن ماه را و اکنون ملال خاطرش بر ما بیست آن راه را

— مبشر غیب از مدلول طایر دولتست بر در تو، نامه در چنگ و مژده در منقار، صوت بشارت بمسامع

رسانیده... (ص ۱۶۷، س ۸)

● این عبارت، که حاوی بیتی هم هست، باید به این صورت بیاید:

مبشر غیب از مدلول

طایر دولت است بر در تو نامه در چنگ و مژده در منقار

صوت بشارت به مسامع رسانیده...

— منت خدای را که هر آنچه آن مراد بود بی منتهی نهاد و آن بخت در کنار (ص ۱۶۷، س ۱۱)

● وزن و معنی ضایع شده است. ضبط صحیح بیت چنین است:

منت خدای را که هر آنچه آن مراد بود بی منتهی نهاد مرا بخت در کنار

— درد سر عاشقان سلامی باشد و آن درد سراز تو برداشته‌ام (ص ۱۶۹، س ۶)

● مصراع دوم به اقتضای وزن به صورت «وان درد سراز سر تو برداشته‌ام» صحیح است. در

نسخه کلمه سر بر روی سطر افزوده شده است.

— آن وادی زنده رود خون بایستی سیلاب روان آن فزون بایستی

و آنگاه ز بهر این چنین واقعه [ای] از جمله چشم مرن درون بایستی (ص ۱۶۹، س ۱۳)

مصحح در پانوشت آورده است: «کذا، ظاهراً برون صحیح باشد».

● ضبط صحیح مصراع چهارم چنین است: از جمله به چشم من درون بایستی.
— فیها عینان نَصَاخَتانِ، کنون نگر دل من از آب دیده غرقابست و اِنْهَا لَطَى نَزَاعَةَ لَلشَّوَى نور سینه من ز
التهاب در تابست. (ص ۱۶۹، س ۱۵-۱۶)

● ضبط صحیح عبارات فارسی که از مجموع آنها بیتی حاصل می‌شود، چنین است:
کنون به گرد من (نسخه حرفی زاید دارد) از آب دیده غرقابست تنور سینه من ز التهاب در تابست
— بر قاعده ثَلَاثَةَ اَیَّامٍ اَلَا رَمَزاً بعد از اقامت و لم سه روز که با اصحاب عرصه عِزّاً در تَجَرَّعِ کُوُوسٍ
مصائب مصیبت و تدرِّع لبوس آن فجیعت و طبع مشارکت و مساهمت چون چرخ ازرق کبود پوشید و
چون جرم شفق خون نوشید و یکی از پرتو تیش حرارت این حرارت بر صفحه کاغذ زد و نقشی از نسخه
صحیفه ملکوت ضمیر بر ورق تحریر نگاشت... (ص ۱۶۹، س ۱۶-۲۰)

● ضبط و قرائت صحیح چنین است:
بر قاعده «ثَلَاثَةَ اَیَّامٍ اَلَا رَمَزاً» بعد از اقامت و لَسْم (یعنی «خاموش ماندن از ناچاری») سه روزه
که با اصحاب عرصه عِزّاً در تَجَرَّعِ کُوُوسٍ مصائب مُصِیب و تدرِّع لبوس آن فجیعت و طینی مشارکت و
مساهمت، چون چرخ ازرق کبود پوشید و چون جرم شفق خون نوشید، رنگی از پرتو تیش حرارت این
حرارت (کذا، شاید مرارت) بر صفحه کاغذ زد و نقشی از نسخه صحیفه ملکوت ضمیر بر ورقِ تقریر
نگاشت...

— صبح سعادت از افق غیب بر دمید بیک بشارت از ره اقبال در رسید (ص ۱۷۰، س ۱۵)

● ضبط صحیح «افق عید» است.

— بنده اکنون بر حقیقت «بِاَیْکُمْ المَفْتُونُ» در عارض و بالای خوشش می‌نگرم:

حیران شده یا پیش کدامش میرم و الحلم و رحمة الله واسِعَةٌ (ص ۱۷۱، س ۳)

● ضبط و قرائت صحیح، که حاوی بیتی فارسی است، چنین است:

بنده اکنون بر مقتضی «بِاَیْکُمْ المَفْتُونُ»،

در عارض و بالای خوشش می‌نگرم حیران شده تا پیش کدامش میرم
و الحلم و رحمة الله واسِعَةٌ.

— به من که اهل جهانی بدین خبر شادند زرنج و زحمت درناز [و] نعمت افتادند (ص ۱۷۱، س ۷)

● ضبط صحیح چنین است: «نه من، که اهل جهانی...»

— به حکم نیست بر خدمت و لکن گر غریبی هم تفقد یابد این خدمت چه خود بالای آن باشد

(ص ۱۷۱، س ۱۴)

● وزن و معنی مختل شده است. ضبط صحیح چنین است:

تحکم نیست بر خدمت ولکن گر غریبی هم تفقد یابد از خدمت چه خود بالای آن باشد

— با بادیه هجر تو ای دوست برانیم دلشاد سوی کعبه وصل تو رهیم (ص ۱۷۲، س ۱۲)

مصحح در پانوشت آورده است: «یا: رسیم؟».

● در قافیه، معنی و سیاق عبارت خلل عمده افتاده است. ضبط و قرائت صحیح بیت

چنین است:

تا بادیه هجر تو ای دوست بریدم دلشاد سوی کعبه وصل تو رسیدم

— با این همه این یک از همه طرفه‌تر است.

کم بر لب بحر تشنه می‌باید بود؟ (ص ۱۷۲، س آخر)

مصحح در پانوشت چنین آورده است: «کاربرد کم عربی در عبارت فارسی».

● اولاً این عبارت پرسشی نیست. ثانیاً کم مخفف که مرا و فارسی است. ثالثاً این

عبارت فارسی شعر است و باید این‌طور بیاید:

با این همه این یک از همه طرفه‌تر است کم بر لب بحر تشنه می‌باید بود

— آنچه تعلق ... بنده دارد فلا (ص ۱۷۳، س ۵). پانوشت مصحح: «یک کلمه خوانده نمی‌شود».

● ضبط عبارت چنین است: «آنچه تعلق بدین بنده دارد، فله». آن‌گاه نویسنده اشعار خود را

به دنبال آورده است.

— آن دل که به غمی ز تو شاد شود شد بنده تو مباد آزاد شود (ص ۱۷۴، س ۸)

● مطابق عکس، «آن دل که به هر غمی...» ضبط صحیح است که عیب وزن آن نیز رفع می‌شود.

— مادر غم منم که غم زاد ز من مادر من ز بهر غم زاد مرا (ص ۱۷۵، س ۱۳)

پانوشت مصحح: «علامتی که قبل از مادر است، ه علامت پایان کلام است، مخفف کلمه انتهی، و نباید

با حرف تاء اشتباه شود».

● وجود ه و تاء در اینجا هیچ مناسبتی ندارد. قرائت مصحح نیز مختل وزن است. قبل از

مادر در هر دو مصراع یا آمده و ضبط صحیح بیت چنین است:

یا مادر غم منم که غم زاد ز من یا مادر من ز بهر غم زاد مرا

— چون حکایت به هر روایت درآمده و چون فسانه به هر ترانه بر زده، چون نقل به هر دهان مکیده

مانند عصاره چکیده چون شارع عام پی سپرده چون درد که صافیش فشرده و به حکم «لکل جدید لذة»...

(ص ۱۷۶، س ۱۲-۱۴)

● مصحح این دو بیت را به صورت نثر نقل کرده است:

چون نُقل به هر دهان مکیده مانند عصاره چکیده
چون شارعِ عام پی سپرده چون دُرد که صافیش فشرده
— پیوسته چرخ و اختر و تخت تو نوجوان آن به که پیر نوبت خود با جوان دهد
(ص ۱۷۶، س ۱۹-۲۰)

پانویشت مصحح: «پیوست».

● در معنی بیت خلل است. ضبط صحیح چنین است:

پیر است چرخ و اختر و بختِ تو نوجوان آن به که پیر نوبتِ خود با جوان دهد
— ز ازدواج مرد و چندین مرد و زن از عدم آمد به صحرایِ علن (ص ۱۸۲، س ۱)

● قرائت صحیح نسخه عکسی: «ز ازدواج هر دو...»

— کاین همه اسباب در کار تواند جمله سرگردان بر کار تواند (ص ۱۸۲، س ۵)

● «سرگردانِ پرگار» قرائت صحیح است.

— بر پری و دیو و دد حکمش رواست بر همه عالم به معنی پادشاهست (ص ۱۸۲، س ۱۰)

● در وزن و قافیه خلل است. ضبط صحیح چنین است:

بر پری و دیو و دد حکمش رواست بر همه عالم به معنی پادشاهست
— عقل صایب رای دانایش وزیر فکر صاحب ذهن بینایش مشیر (ص ۱۸۲، س ۱۲)

● صاحب غلط و حاجب ضبط صحیح است.

— شحنگی را با غضب داده قر ار غافل با شهوت بسیار خوار (ص ۱۸۲، س ۱۳)

● غافل غلط و عاملی ضبط صحیح است.

— عقل را شهوت مطیع خود کند جان قدسی پیروی نفس کند (ص ۱۸۳، س ۱)

● در وزن و قافیه خلل است. ضبط صحیح مطابق نسخه عکسی چنین است:

عقل را شهوت مطیع خود کند جان قدسی پیرویِ ود (= بد) کند

— از آب و گل بدیع است این صورت آفرینی نقاش کی تواند نقشی چنین کشیدن (ص ۱۸۳، س ۷)

● در نسخه عکسی، به جای صورت آفرینی، صورت آفریدن آمده است.

— بنده ام گر تو به هیچم نشماری شمار من که باشم که درآیم به شماری باری (ص ۱۸۴، بیت ۴)

● مصراع اول در نسخه عکسی «...نشماری شمار» آمده، که در این صورت عیب وزن و

معنی رفع می شود.

- به هر طرف که تابد خورشید و من عنان را چون سایه در رکابش خواهم بسر دویدن (ص ۱۸۴، بیت ۵)
- در وزن و معنی خلل است. ضبط صحیح بیت چنین است:
بر هر طرف که تابد خورشید من عنان را چون سایه در رکابش خواهم به سر دویدن
و او عطف که در نسخه آمده زاید است.
- حکایتی ز دهنش بگوش هوش می آمد دگر نصیحت مردم حکایتیست بگوشم
(ص ۱۸۹، بیت ماقبل آخر)
- وزن و معنی ضایع شده است. قرائت صحیح چنین است:
حکایتی ز دهانش به گوش هوش من آمد دگر نصیحت مردم حکایتی است به گوشم
خیال زلف و راحت روز و شب برابر ماست کجاست نقش دهانت که هیچ پیدا نیست
(ص ۱۹۰، بیت ۶)
- وزن و معنی ضایع شده است. قرائت صحیح چنین است:
خیال زلف و رخت روز و شب برابر ماست کجاست نقش دهانت که هیچ پیدا نیست
— بگذراند (ص ۱۹۱، س ۱۴)
- صحیح بگذراند است و بگذراند خطای چاپی است.
— حقیقت دهنت در نیافت کسی از او همین سخن است او فتاده در افواه
(ص ۱۸۸، بیت ۵؛ ص ۱۸۹، بیت ۱)
- این بیت دو بار در نسخه به همین صورت آمده است که به لحاظ وزن افتادگی دارد.
ضبط صحیح ظاهراً چنین است:
حقیقت دهنت [هیچ] در نیافت کسی از او همین سخن است او فتاده در افواه
— دامن از من مکش ای سرو که چون آب بوسه‌ای بر قدمت می‌دهم و می‌گردم
(ص ۱۹۱، بیت آخر)
- در نسخه عکسی «چون آب روان» آمده است که با آن نقصان وزن رفع می‌شود.
— ذکر لب تو حکایتی شیرینست وصف سر زلف تو چه شبیست دراز (ص ۱۹۳، بیت ۱)
- وزن معیوب است. قرائت صحیح چنین است:
ذکر لب تو حکایتی شیرین است وصف سر زلف تو چو بیتی است دراز
— زلف دراز دست تو سرها دهد به باد آن فتنه را به ملک حسن سر که داد (ص ۱۹۴، بیت ۱)
- وزن معیوب و قرائت صحیح چنین است:

- زلفِ درازدستِ تو سرها دهد به باد آن فتنه را به مملکتِ حُسن سر که داد
— شی احوالِ بیمارانِ پرس از شمع که بیمارست و می‌سوزد همه شب بهر بیماران
(ص ۱۹۶، بیت ۶)
- در وزن نقصان آشکار است. ضبط صحیح مطابق نسخه عکسی چنین است:
شی احوالِ بیمارانِ پرس از شمعِ خونین‌دل که بیمارست و می‌سوزد همه شب بهر بیماران
— یافتی (ص ۱۹۶، س ۱)
 - ظاهراً غلط چاپی است به جای یافتن در نسخه عکسی.
— صورت نمی‌بندد که من باز آیم از غمِ خواری مافی الضمیر خویش را گفتم کنون یکبارگی
(ص ۱۹۷، بیت ۴)
 - غم‌خواری مخلّ وزن و قافیه است. قرائت صحیح نسخه عکسی غمخواری است.
— صفت صورت روی تو تحسین می‌کردم صورت چین ز حسد روی بدیوار آورد (ص ۱۹۸، بیت ۲)
● وزن معیوب است. قرائت صحیح نسخه چنین است:
صفتِ صورتِ روی تو به چین می‌کردم صورتِ چین ز حسد روی به دیوار آورد
— طاقت ندارد آن میان از وی چه آمیزی کمر خسته شد از نازکی بر رخ چرا بندی نقاب
(ص ۱۹۹، بیت ۶)
 - در وزن و معنی خلل است. ضبط صحیح بیت چنین است:
طاقت ندارد آن میان از وی چه آویزی کمر خسته شود از نازکی بر رخ چرا بندی نقاب
شد در نسخه، خطای کاتب است.
— طرفه می‌دادند یاران صبر من بر داغ و درد داغ و دردی کز تو باشد خوشتر است از باغ ورد
(ص ۲۰۰، بیت ۱)
 - می‌دادند قرائت نادرستی است از می‌دارند در نسخه عکسی.
— ظاهر نمی‌شود اثر صبح گوئیا دود دلم دریچه خاور گرفته است (ص ۲۰۰، بیت ۲)
● اثر قرائت نادرستی است از اثر در نسخه عکسی.
— ظلّ زلف تو است در شب و روز در جوار آفتاب عالمتاب (ص ۲۰۰، بیت ۳)
 - ضبط صحیح مصراع اول چنین است: «ظلّ زلف تو راست در شب و روز».
— ظلمت خط تو شد مانع سرچشمه نوش و نه جویای آب حیاتند بسی (ص ۲۰۰، بیت ۴)
 - در نسخه، کلمه‌ای از مصراع دوم ساقط شده است. به اقتضای وزن و تناسب، بیت

باید به این صورت باشد:

ظلمتِ خطّ تو شد مانعِ سرچشمهٔ نوش ورنه جوئیای لبِ آبِ حیاتند بسی
— ظاهر آمد حسن کان مجموعِ خوبان داشتند هست صدچندان ترا جز اندکی حسن وفا
(ص ۲۰۱، بیت ۱)

● قرائت صحیح نسخه چنین است:

ظاهرا (=ظاهراً) هر حُسن کان مجموعِ خوبان داشتند هست صدچندان تو را جز اندکی حُسنِ وفا
— پاکبازيست (ص ۲۰۱، بیت ۶)

● ظاهراً غلط چاپی است به جای پاکباز نیست.

— وز آن قد و قامت قیامتست قیامت شکیب از آن لب شیرین غرامتست غرامت (ص ۲۰۴، بیت ۱)
پانویشت مصحح: «در این موضع، به جای استفاده از حرف ف، از حرف و استفاده کرده است.»
● این بیت جزو ابیاتی که با حرف ف آغاز شده آمده است و، اگر دلالت وزن و معنی و
صنعت موازنه بسنده نبود، همین نکته باید راه‌نمای مصحح می‌شد که آن را این‌گونه
بخواند:

فراقِ آن قد و قامت قیامت است قیامت شکیب از آن لب شیرین غرامت است غرامت
— قصهٔ زلف تو می‌گفتم رخت از تاب برفت بود نازک‌دل سخنهای پریشان برنتافت
(ص ۲۰۴، بیت ۶)

● وزن معیوب است. ضبط صحیح چنین است: «قصهٔ زلفِ تو می‌گفتم رخت در تاب رفت...»
— کنج خرابات اگر مسکن ما شد چه شود گنج دو عالم به نقد در دل ویران ماست
(ص ۲۰۵، بیت ۶)

● وزن معیوب است. ضبط صحیح چنین است: «کنج خرابات اگر مسکن ما شد چه شد...»
این کاربرد در همان قرن در شعر حافظ شیراز هم هست:

حافظ چه شد ار عاشق و رند است و نظر باز بس طورِ عجب لازمِ ایامِ شبابست
— گرو کنید به می خرقه هزاران پیش که آتشیش درافتد ز جان ممتحنم (ص ۲۰۵، بیت آخر)
● قرائت صحیح نسخه چنین است:

گرو کنید به می خرقهٔ مرازان پیش که آتشیش درافتد ز جانِ ممتحنم
— لعل حیات نخست صدباره ریخت خونم گویی به بخت من شد آب حیات قاتل
(ص ۲۰۶، بیت ۶)

- نخست بدخوانی مصحح است که موجب ضایع شدن وزن و معنی شده است. قرائت صحیح چنین است: «لعل حیات بخش...»
- ما مست از آن می‌ایم که مستست چشم یار هم زان میم دهند تا بشکنم خمار (ص ۲۰۷، بیت ۶)
- وزن معیوب است. ضبط صحیح چنین است:
- ما مست از آن میم که مست است چشم یار هم زان میم دهید که تا بشکنم خمار
— مگذار هوای دل و آب دیده‌ام را ضایع که تو پرورده این آب و هوایی (ص ۲۰۸، بیت ۲)
- دیده‌ام به جای مژه‌ام قرائت نادرستی است از نسخه که وزن را ضایع کرده است.
- مرا وصال تو همچون کمان کشید در خود دگر بدست فراق تو چو تیر او را فکند
(ص ۲۰۸، بیت ۳)
- این بیت از زیباترین مفردات مجموعه گران‌بهای شرف‌الدین عمر شبانکاره است که به این روز افتاده است. ضبط صحیح آن چنین است:
- مرا وصال تو همچون کمان کشید به خود دگر به دست فراقم چو تیر دور افکند
فراق در نسخه بر روی سطر به صورت فراقم اصلاح شده، در خود خطای کاتب و تو در مصراع دوم افزوده هموست، که به قیاس تصحیح شد.
- هرچند نداری نگه این دل سوخته را از دود دل مات نگهدار خدا باد (ص ۲۱۰، بیت ۶)
- چنین است در نسخه که، به اقتضای وزن، آن را باید بدین‌گونه تصحیح کرد:
- هرچند نداری نگه این سوخته‌دل را از دود دل مات نگهدار خدا باد
- لایق گوهر گفتار نبود گوشم به گدایی چو من از لعل تو پیغامی بس (ص ۲۱۲، بیت ۱)
- چنین است در نسخه که، به اقتضای وزن، آن را باید بدین‌گونه تصحیح کرد:
- لایق گوهر گفتار تو نبود گوشم به گدایی چو من از لعل تو پیغامی بس
— لاله همچون من دلی در اندرون دارد سیه آن‌چه بینی کاو به ظاهر کوه را [کاهی] می‌کند
(ص ۲۱۲، بیت ۴)
- وزن و معنی ندارد. قرائت صحیح نسخه چنین است:
- لاله همچون من دلی در اندرون دارد سیه آن‌چه بینی کو به ظاهر کوه را کافر کند
«سرخ پوشیدن» و «سیه دلی» کافر در ادب فارسی شهرت دارد.
- یار من چون ماه گه پنهان و گه پیدا بود تادل شوریده‌ام هر دم ز تو شیدا بود (ص ۲۱۲، بیت ۶)
- در نسخه ردیف به صورت شود اصلاح شده و ضبط صحیح بیت چنین است:

- یار من چون ماه‌گه پنهان و گه پیدا شود تا دل شوریده‌ام هر دم ز نو شیدا شود
— جان فرست که در سنگ اگر جمع شود لعل و یاقوت شود سنگ‌بدان خارائی (ص ۲۴۶، بیت آخر)
- وزن و معنی فاسد است. قرائت صحیح نسخه چنین است:
چار چیز است که در سنگ اگر جمع شود لعل و یاقوت شود سنگ‌بدان خارایی
این تصحیح در بیت بعد تأیید شده و شاعر از آن چهار چیز یاد کرده است.
— یاقوت لبش که حقه پرسیماست بر سطح قمر مرکز قوت جانست (ص ۳۵۶، س ۶)
 - به جز قافیه چندین ضعف به شعر راه یافته و ضبط صحیح آن چنین است:
یاقوت لبش که حقه مرجانست بر سطح قمر مرکز قوت جانست
— اذا ما كنت في امر مهم فلا تفتح بمادون النجوم (ص ۳۵۸، بیت ۷)
 - قافیه ضایع شده. قرائت صحیح نسخه چنین است: «اذا ما كنت في امر مرموم...»
— عارفان طفل خویش را پیوست تیغ چوبین از آن دهند به دست
تا چو آن طفل مردکار شود تیغ چوبینش ذوالفقار شود (ص ۳۷۵، س ۱۲)
 - عارفان قرائت نادرست غازیان است.
— سایه حق بود این که بحق عدل او داور زمان باشد (ص ۴۲۵، س ۴)
 - قرائت صحیح نسخه چنین است: «سایه حق معز دین که به حق...» ممدوح این شعر شیخ
اویس است که معزالدین لقب داشته.
— گل از کرشمه مگر سرخ‌روی می‌گردد که پیوسته قبا سبزپوش می‌آید (ص ۴۳۰، بیت ۱۰)
 - وزن و معنی ضایع شده است. قرائت صحیح نسخه چنین است:
گل از کرشمه مگر سرخ‌روی می‌گردد که سرو پسته قبا سبزپوش می‌آید
— قواعد من الشعراء (ص ۴۹۴، س ۱۲)
 - ظاهراً نسخه عکسی نیز مؤید متن چاپی است؛ امّا، به اقتضای مقام، «لواحد من
الشعراء» باید صورت صحیح باشد.
— شیخ البلاد عصام‌الدین (ص ۵۰۴، س ۲)
 - قرائت نادرستی است از «شیخ الاسلام عصام‌الدین».
— مرا سریست که ترک کلاه همت او نشان زده‌ست الّا از اطلس افلاک (ص ۵۱۴، بیت ۷)
 - وزن و معنی ضایع شده است. قرائت صحیح نسخه چنین است:
مرا سری است که ترک کلاه همت او نسازد آستر الّا از اطلس افلاک

جلد دوم

— فزونی نجست آنکه بودش خرد به رنگ و به هیئت جهان ننگرد (ص ۴۶، س ۱۱)

• قرائت صحیح نسخه چنین است:

فزونی نجست آن که بودش خرد به رنگ و به بوی جهان ننگرد

— اگر به دانش اندر زمانه لقمان وار سرای پرده حکمت بر آسمان برده

وگرز کتب فلاطون و ارسطاطالیس هر آنچه گفته و بشنیده پاک بسته

وگر به نوک عداوت دو دیده اعدا به نصرتی که بود ایزدی بیازرده

به پیش نیش اجل این همه ندارد سود همی ببايد رفتن چنانکه آمده (ص ۱۳۸، س ۱۱-۱۵)

• وزن و قافیه و معنی، هر سه، ضایع شده است. ضبط صحیح این قطعه فردوسی در

اوایل همین گفتار آمده است.

* * *

باید اذعان کرد که مصحح برای این تحقیق با دشواری‌های بسیاری مواجه بوده که از اهم آنهاست: تعدد و تنوع خطوط، ناخوانا بودن بسیاری فقرات بر اثر بدخطی و اهمال در نقطه‌گذاری (در برخی موارد کاملاً بی‌نقطه)، خطای کاتبان، اسقاط بعضی صفحات نسخه از چاپ عکسی و در دسترس نبودن اصل نسخه، وجود اغتشاش و بعضی سقطات در اصل بیاض، منحصر به فرد بودن نسخه خطی، دو زبانه بودن متن سفینه (فارسی و عربی)، عاری بودن بیشتر فقرات عربی از شکل و اعراب، سنگینی شیوه نگارش بعضی فقرات، تنوع موضوعات، و در دسترس نبودن اسناد و منابع مورد استفاده نویسندگان سفینه.

بازخوانی درست بسیاری از مواضع دشوار متن، رفع اغتشاش نسبی از نسخه، تعیین محل صفحات نسخه در متن مطابق شماره‌های چاپ عکسی، آوردن تصویر نخستین صفحه هر فقره در ابتدای آن، و افزودن چندین فهرست مهم و ضروری — به‌رغم ضبط نادرست و مشکوک بعضی از اعلام — از مزایای این چاپ است که راه را برای تصحیح معتبری از این سفینه تا حدودی هموار کرده است.

□